گزارش

برخورد کشورها با اینترنت در شرایط بحران چگونه است؟

ادامه از صفحه ۶

خودسانسوری: با وجود بازبودن ظاهری شبکه‌ها، به دلیل مجازات‌های سنگین حبس (تا ۱۵ سال) برای انتشار اطلاعات مربوط به «امنیت عمومی»، خودسانسوری شدیدی میان کاربران و روزنامه‌نگاران حاکم شده است.

اوگاندا

در اوگاندا، قطع اینترنت در ژانویه ۲۰۲۶ (دی‌ماه ۱۴۰۴)، به‌عنوان یک ابزار استراتژیک برای مهندسی فضای سیاسی در آستانه انتخابات سراسری (۱۵ ژانویه) به کار گرفته شد. این قطع دسترسی یکی از پیچیده‌ترین و برنامه‌ریزی‌شده‌ترین خاموشی‌های دیجیتال در تاریخ این کشور بود که از هفته‌ها قبل با هدف قراردادن ابزارهای جایگزین آغاز شد.

جزئیات وقایع و نحوه تصمیم‌گیری در اوگاندا به شرح زیر است:

۱. گاه‌شمار و فازبندی خاموشی (ژانویه ۲۰۲۶)

فاز آمادگی (۱ تا ۱۲ ژانویه): برخلاف تصور عمومی، قطع ارتباطات به‌طور ناگهانی رخ نداد. در اول ژانویه ۲۰۲۶، رگولاتوری اوگاندا (UCC) دستور توقف فعالیت استارلینک را صادر کرد تا راه گریز ماهواره‌ای مسدود شود. همچنین سرعت شبکه به صورت پله‌پله کاهش یافت و دانلود VPNها در اپ‌استورها مختل شد.

شروع خاموشی مطلق (۱۳ ژانویه): دو روز پیش از رأی‌گیری، در ساعت ۱۸ به وقت محلی، اتصال اینترنت در سراسر اوگاندا یکباره سقوط کرد. این دستور توسط UCC صادر و به تمامی اپراتورهای موبایل و ثابت ابلاغ شد. در این مرحله، حتی فروش سیم‌کارت‌های جدید و خدمات رومینگ نیز متوقف شد.

روز انتخابات (۱۵ ژانویه): در حالی که کل کشور در خاموشی دیجیتال بود، گزارش‌هایی از خرابی دستگاه‌های احراز هویت بیومتریک رأی‌دهندگان به دلیل نبود شبکه منتشر شد که شفافیت انتخابات را به‌شدت زیر سؤال برد.

بازگشایی تدریجی (۱۸ ژانویه): سه روز پس از انتخابات و ساعاتی پس از اعلام پیروزی مجدد «یووری موسونی»، دستور وصل مجدد اینترنت صادر شد. بااین‌حال، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی همچنان مسدود باقی ماند.

وصل کامل (۲۶ ژانویه): پس از حدود ۱۳ روز اختلال و خاموشی، اینترنت به وضعیت عادی بازگشت، هرچند فیلترینگ شدید پلتفرم‌های اصلی ادامه یافت.

۲. استراتژی «فهرست سفید» (Whitelist)

اوگاندا در این دوره از الگویی مشابه ایران استفاده کرد: قطع دسترسی عمومی و هم‌زمان باز نگه‌داشتن دسترسی برای نهادهای خاص. در حالی که ۹۲ میلیون نفر در بن‌بست ارتباطی بودند، سیستم‌های بانکی، بیمارستان‌های بزرگ، فرودگاه‌ها و پرتال‌های دولتی از طریق یک «فهرست سفید» به اینترنت متصل ماندند تا از فروپاشی کامل خدمات حیاتی جلوگیری شود.

۳. وضعیت فیلترینگ و شبکه‌های اجتماعی

فیس‌بوک (انسداد دائمی): جالب است بدانید فیس‌بوک از زمان انتخابات قبلی در سال ۲۰۲۱ به مدت پنج سال به‌طور کامل در اوگاندا مسدود بوده و در جریان وقایع ۲۰۲۶ نیز بازگشایی نشد.

سایر پلتفرم‌ها: واتس‌اپ، ایکس (توییتر سابق)، اینستاگرام و تلگرام در تمام مدت خاموشی و تا هشت روز پس از وصل‌شدن اینترنت (۲۶ ژانویه) مسدود بودند.

خاموشی VPNها: دولت اوگاندا به‌طور رسمی اعلام کرد که استفاده از فیلترشکن جرم است و تهدید کرد که کاربران VPN را از طریق شناسایی دستگاه‌هایشان هدف قرار خواهد داد.

۴. بهانه دولتی در مقابل واقعیت امنیتی

توجیه رسمی: کمیسیون ارتباطات اوگاندا ادعا کرد که این کار برای «جلوگیری از انتشار اخبار جعلی»، «مقابله با کلاهبرداری انتخاباتی» و «حفظ نظم عمومی» ضروری و متناسب با تهدیدات بوده است.

واقعیت میدانی: سازمان‌های حقوق‌بشری تأکید کردند که هدف اصلی، پوشش‌دادن به برخورد با مخالفان (مانند بازداشت بابی واین)، جلوگیری از نظارت ناظران بر صندوق‌های رأی و ایجاد فضای ترس برای تثبیت قدرت بوده است.

این اقدام باعث خسارت اقتصادی عظیمی بالغ بر ۱.۴ تریلیون شیلینگ اوگاندا (حدود ۶.۷ میلیون دلار برای اپراتورها) شد و سیستم‌های پرداخت موبایلی که معیشت میلیون‌ها نفر به آن وابسته بود را به‌طور کامل فلج کرد.

امروزه اینترنت از یک ابزار تفننی به یک «زیرساخت حیاتی» تبدیل شده است که نقشی مشابه آب، برق و گاز در زندگی مدرن ایفا می‌کند. در ادامه، نگاه قوانین بین‌المللی و تعاریف رسمی ارائه‌شده برای این فناوری بررسی می‌شود:

اینترنت به‌مثابه یک حق و خدمات عمومی (Utility)

تحقیقات نشان می‌دهد اینترنت مسیری مشابه برق و تلفن را در تاریخ طی کرده است؛ یعنی از یک پدیده نوظهور به یک «ضرورت حتمی» برای مشارکت در زندگی اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است.

خدمات عمومی حیاتی: به دلیل وابستگی سیستم‌های آموزشی، درمانی (پزشکی از راه دور) و مالی به شبکه، قطع آن به معنای محرومیت از حقوق اساسی است. گزارش‌های بین‌المللی تاکید دارند که اینترنت زیرساخت تعریف‌کننده عصر ماست و باید مانند سایر خدمات عمومی، از پایداری و تاب‌آوری در برابر بحران‌ها برخوردار باشد.

حقوق بشر: اگرچه در اسناد اولیه حقوق بشر (مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) نامی از اینترنت برده نشده، اما سازمان ملل آن را یک «تسهیل‌کننده» (Enabler) برای تحقق حقوقی همچون آزادی بیان، حق تحصیل و آزادی تجمعات می‌داند.

جایگاه اینترنت در قوانین بین‌المللی

قطع‌نامه ۲۰۱۶ سازمان ملل: شورای حقوق بشر سازمان ملل در قطع‌نامه ۱۳/۳۲، به صراحت اعلام کرد «همان حقوقی که مردم در فضای آفلاین دارند، باید در فضای آنلاین نیز محافظت شود». این قطع‌نامه اقدامات عمدی دولت‌ها برای مختل‌کردن دسترسی به اطلاعات یا انتشار آن در اینترنت را محکوم می‌کند.

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD): این کنوانسیون در ماده ۹ خود، دولت‌ها را موظف کرده است دسترسی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ازجمله اینترنت را به‌عنوان بخشی از «حق دسترسی» برای همه شهروندان تضمین کنند.

اعلامیه حقوق دیجیتال اروپا (۲۰۲۲): اتحادیه اروپا متعهد شده است دسترسی به اتصال دیجیتال با سرعت بالا و قیمت مناسب را برای همه شهروندان، فارغ از مکان زندگی یا سطح درآمد فراهم کند.

تعاریف رسمی و حقوقی اینترنت

در متون بین‌المللی، برای اینترنت دو لایه تعریف وجود دارد: ۱. تعریف فیزیکی و فنی: اینترنت به‌عنوان «مجموعه کامل شبکه‌های کامپیوتری متصل‌به‌هم در سطح جهانی» تعریف می‌شود که خدماتی نظیر وب جهان‌گستر (WWW) را میسر می‌کند. ۲. تعریف در قوانین مخابراتی: اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU)، اینترنت را در قالب «خدمات مخابرات بین‌المللی» دسته‌بندی می‌کند. طبق قوانین ITU، مخابرات به معنای «هرگونه ارسال، انتشار یا دریافت نشانه‌ها، سیگنال‌ها، نوشته‌ها، تصاویر و صداها از طریق سیم، رادیو، سیستم‌های نوری یا سایر سیستم‌های الکترومغناطیسی» است. براساس این قوانین، اگرچه دولت‌ها حق حاکمیتی بر تنظیم مقررات مخابراتی خود دارند، اما طبق ماده ۳۸ قانون اساسی ITU، متعهد هستند که تأسیسات لازم برای تبادل «سریع و بدون وقفه» ارتباطات بین‌المللی را حفظ و از آنها محافظت کنند.

عکس: اکبر توکلی، ایرنا

بازآرایی امپریالیسم و ورود به عصر جدید فاجعه

افسانه جنگ رهایی‌بخش

پیام حیدرقزوینی

تنها چند روز پس از حملات آمریکا و اسرائیل به ایران، توهمات درباره جنگ رهایی‌بخش و کمک‌های در راه، به شکلی عریان پیش‌رویمان قرار گرفته است. آنها پیش از این سناریویی را در غزه پیاده کرده بودند که زخم‌هایش تا سال‌ها بعد در خاطره جمعی جهان خواهد ماند حتی اگر به لطف سلطه رسانه‌هایشان روایت خود را از جنگ برکشند. حالا این واقعیتی عیان است که آنچه در غزه رخ داد، می‌تواند در هرجای دیگری از جهان نیز رخ دهد. در اینجا خیلی زود از افسانه نقطه‌زنی به بمباران فرشی رسیدند و سپس به سراغ زیرساخت‌های عمومی رفتند. بمباران مدرسه و حملات تروریستی به مخازن نفت تنها بخشی از تیره‌ترین نقاط جنگی است که فقط چند روز از آغازش می‌گذرد.

در روزهایی که تهران به دلیل تعطیلی و خالی‌شدن از جمعیت عاری از آلودگی بود، بمباران مخازن نفت، یکی از بزرگ‌ترین کلان‌شهرهای خاورمیانه را در سیاهی کامل غرق کرد.

آنچه ما ساکنان تهران در فردای بمباران مخازن نفت دیدیم از هولناک‌ترین صحنه‌های این چند روز بوده است. بارش سیاه هر آنچه را که روی زمین است در برگرفت و آشکارا نشان داد که تبعات تنفس این سیاهی نه فقط امروز بلکه سال‌ها پس از این نیز با ما خواهد بود. صبحی که از آسمان سیاهی می‌بارید، بخشی از نیروی کاری که توان و امکان ترک شهر را نداشتند باید در محل‌های کار حاضر می‌شدند و البته برای بسیاری دیگر از بی‌ثبات‌کاران و نیروهای کاری که همین حالا هم کارشان را از دست داده‌اند، حاضرشدن در محل کار حتی در صبح آلوده تهران آرزویی است که دست‌کم تا پایان سال دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد. لایه‌های پایینی طبقه کارگر و فرودستان تنها چند روز پس از حملات تروریستی به ایران، در معرض فشاری خردکننده قرار دارند و این در حالی است که کسانی در آن سوی جهان با مصیبت‌هایی که جنگ به ما تحمیل کرده شادی می‌کنند. رقص و شادی آنها درحالی‌که عکس سربازان کشته‌شده آمریکایی را در دست دارند ای بسا هولناک‌تر از بمب‌ها و آوارهای ناشی از جنگ است. هر جنگی روزی آغاز می‌شود و روزی به پایان می‌رسد اما فاشیسمی که به‌خصوص در ماه‌های اخیر بروزی عیان‌تر داشته واقعیتی است که با پایان این جنگ تمام نمی‌شود. دیاسپورای ایرانی در مقابل چشمان بهت‌زده مردم کشورهای دیگر، درحالی‌که پرچم اسرائیل، فاشیستی‌ترین سازه سیاسی جهان، را در دست دارند، از بمباران کشورشان شادی می‌کنند و چهره‌ای هولناک و درعین‌حال رقت‌آور از خود به تصویر می‌کشند.

تلاش برای جاانداختن چیزی به نام جنگ برای انسانیت و به تعبیری اخلاقی‌کردن جنگ، از پیچیده‌ترین و درعین‌حال موفق‌ترین پروژه‌های ایدئولوژیک جهان معاصر است که بارها توسط آمریکا و متحدانش صورت گرفته است. اما تمام این جنگ‌ها نه برای کمک به مردم در کشورهای مختلف بلکه برای بازآرایی قدرت انجام می‌شود و کشورهای پیرامونی ما نمونه‌هایی آشکار از این واقعیت هستند.

واقعیت کنونی جهان ما این است که طبقه میلیاردری که امروز قدرت را در آمریکا در دست دارد، بی‌محابا از دموکراسی لیبرال به نئوفاشیسم یا ائتلافی نئوفاشیستی-نئولیبرالی میل کرده و ابایی ندارد از اینکه توده‌ها را حول باورهای افراطی ملی‌گرایانه و انتقام‌جویانه جمع کند. آنها نه‌تنها چشم بر نسل‌کشی اسرائیل در فلسطین بستند بلکه حامی اصلی‌اش بودند و از سوی دیگر جهان را در آستانه جنگی اقتصادی و محتمل با چین و سایر کشورهای به‌اصطلاح جنوب جهانی قرار داده‌اند. از منظر آنها، اکثریت جهان دشمنانی هستند که باید به هر شیوه‌ای سرکوب و حذفشان کرد. ترامپ اخیرا نظرش را آشکارا درباره مردم ایران بیان کرده است. او زیر فشار فزاینده انتقادات به‌خاطر آغاز جنگی دیگر که هر روز بر ابهاماتش افزوده می‌شود، ما را از شرورترین مردمان روی زمین دانسته است. درحالی‌که همچنان نقاط نادیده زیادی در پرونده اپستین وجود دارد اما تا همین‌جا هم می‌توان دید که چه کسانی شرورترین مردم جهان هستند.

جان بلامی فاستر در مقاله‌ای با عنوان «دکترین ترامپ و امپریالیسم جدید مگا» (ترجمه احمد سیف، سایت نقد)، می‌گوید از منظر نئوفاشیستی و انتقام‌جویانه‌ای که در نگاه حاکمان امروز آمریکا وجود دارد، آمریکا به عنوان قدرتی هژمونیک در حال افول است و از سوی دشمنانی نیرومند در معرض تهدید قرار دارد: مارکسیسم فرهنگی و مهاجران از یک سو، و چین و جنوب جهانی از سویی دیگر. فاستر استدلال می‌کند که از زمان دولت نخست ترامپ پس از انتخابات ۲۰۱۶، این رژیم نمایانگر چرخشی سخت به راست در سطح داخلی و جهانی بوده است: «در سطح جهانی، همه منابع در دسترس باید بر افزایش قدرت آمریکا به‌صورت بازی با حاصل‌جمع صفر و شکست چین به‌عنوان رقیب نوظهور متمرکز شوند. به همین دلیل، در نخستین دولت ترامپ بود که جنگ سرد جدید علیه چین عملا آغاز شد و در همان زمان چرخشی به‌سوی تنش‌زدایی با روسیه نیز شکل گرفت».

راهبرد امپریالیستی تازه‌ای که به‌خصوص از دولت دوم ترامپ قابل مشاهده است، براساس مفهوم «اول آمریکا» بنا شده است: «این راهبرد، رد نقش سنتی آمریکا به‌عنوان قدرت هژمونیک جهانی است و در عوض به‌دنبال یک امپراتوری فوق‌ملی‌گرایانه مبتنی بر اولویت مطلق آمریکا است. نمونه‌ای از این رویکرد، حملات ایالات متحده به سازمان‌های بین‌المللی است که در آنها سلطه کامل ندارد یا به‌زعم آن، بار نامتناسبی را متحمل می‌شود ــ از جمله سازمان ملل متحد و حتی ائتلاف ناتو. افزون بر این، روابط تجاری نه به‌عنوان فرایندهای مبادله سودمند دوجانبه (که در واقع عمدتا به نفع کشورهای ثروتمند است)، بلکه به‌عنوان روابطی معاملاتی که صرفا بر پایه قدرت ملی تعیین می‌شود، در نظر گرفته می‌شوند». در چنین بستری، آمریکا در پی باج‌خواهی از متحدانش هم هست یعنی کسانی که باید به شیوه‌های مختلف هزینه حمایت نظامی آمریکا را بپردازند.

فاستر نشان داده که نتیجه محتمل این روند و تحولات ناشی از آن، درواقع ورود به «عصر جدیدی از فاجعه» است و آن را مشابه با دهه ۱۹۳۰ که همراه با ویرانی‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و تبعات ناشی از جنگ بود مقایسه کرده است. این روند نه‌تنها به افزایش سلطه آمریکا منجر نخواهد شد، بلکه سیر افول آن را نیز شتاب خواهد داد، چراکه هژمونی دلار و نهادهای بین‌المللی که قدرت آمریکا به آنها متکی بوده، بیش از هر زمان دیگری تضعیف خواهند شد. فاستر حتی پا را فراتر می‌گذارد و می‌گوید «درون رژیم ترامپ، تلاش‌های واشنگتن برای نمایش قدرت جهانی، فقط منجر به تشدید تضادهای داخلی بین سرمایه‌داری مالی انحصاری با منافع اقتصادی جهانی‌اش، و جنبش ناسیونالیستی تنگ‌نظر دوباره آمریکا را عظیم کنیم، خواهد شد. حفظ چنین رژیم ارتجاعی‌ای نیازمند سرکوب بیشتر خواهد بود، درحالی‌که آینده بستگی به مقیاس شورشی خواهد داشت که این سرکوب، در داخل و در سطح جهانی، برمی‌انگیزد».

جنبشی که دولت ترامپ حول آن شکل گرفته، ملی‌گرا و عوام‌گرا بر پایه دیدگاهی نژادمحور از جهان است که در آن آمریکا به عنوان ملتی سفیدپوست و مسیحی با «سرنوشت مقدر» دیده می‌شود. به بیان فاستر، در این نگاه آمریکا که در طول تاریخ خود تا قرن بیستم به مقام «ملت شماره یک زیر سایه خدا» دست یافته بود، از درون و بیرون تضعیف شد و اکنون نیاز به احیای جایگاه ازدست‌رفته خود دارد. فاستر همچنین می‌گوید که ساختارهایی در حال شکل‌گیری هستند که هدفشان حذف امکان هرگونه شورش دموکراتیک توده‌ای از پایین و معکوس‌سازی روندهای ویرانگر کنونی است. به بیان او، تنها یک جنبش در جهان قادر به تغییر این روندهای خطرناک و مخرب به نفع بشریت است و آن جنبشی جهانی به سوی سوسیالیسم است.

حالا این واقعیتی عیان است که آنچه در غزه رخ داد، می‌تواند در هرجای دیگری از جهان نیز رخ دهد. در اینجا خیلی زود از افسانه نقطه‌زنی به بمباران فرشی رسیدند و سپس به سراغ زیرساخت‌های عمومی رفتند. بمباران مدرسه و حملات تروریستی به مخازن نفت تنها بخشی از تیره‌ترین نقاط جنگی است که فقط چند روز از آغازش می‌گذرد

فضیلت امید

شرق: امید در جهان فعلی ما حتی در مقایسه با چند دهه پیش نیز رنگ باخته است و چندان درباره آن حرفی زده نمی‌شود. با این حال یکی از کتاب‌های قابل توجهی که در سال‌های اخیر درباره مفهوم امید نوشته شده، اثری است از استان ون هوفت که در چند فصل به جنبه‌های مختلف امید پرداخته است. نویسنده می‌گوید وقتی بر جبین آینده به جز بلا و مصیبت چیزی قابل مشاهده نیست، آن گاه روا است اگر بگوییم در روزگار ما انعطاف‌پذیری و نه امید آن فضیلتی است که بیش از همه مورد نیاز است. با این حال، او در کتابش نشان داده که امید صرفا یک ایستار وجودی اساسی برای همه ما نیست، بلکه اگر واقع‌بینانه باشد، فضیلتی مهم نیز هست: «سخن‌گفتن از فضیلت سخن‌گفتن از ویژگی‌ها و گرایش‌های شخصیتی‌ای است که به ما کمک می‌کنند زندگی را به نحوی خوب و شایسته زندگی کنیم. برای مثال، انسان شجاع قادر است در مقابل دشواری‌هایی که در دلش ترس می‌اندازند بایستد و این‌چنین در برنامه‌هایش موفق گردد. انسان گشاده‌دست و گشاده‌رو قادر است بر میل خویش به خودخواهی غلبه کند و این‌چنین، به نیازمندان کمک کرده، قدردانی و احترام دیگران را جلب نماید. به این شیوه و بسیاری شیوه‌های دیگر، انسان فضیلت‌مند قادر است در زندگی، به طریقی که انسان رذیلت‌مند نخواهد توانست، موفق گردد». بسیاری از ایده‌های بسط‌یافته در کتاب «امید»، برآمده از رشته سمینارهایی است که نویسنده به‌همراه دانشجویانش در دانشگاه دیکن به عنوان بخشی از ملزومات ارزشیابی سومین سال تحصیل آنها ترتیب داده بود. او می‌گوید دانشجویان حضوری ملزم بودند در کلاس‌هایی شرکت کنند که در آنها بحث و نظر با استفاده از قالب گفت‌وگوی سقراطی مدرن صورت می‌گرفت، درحالی‌که دانشجویان غیرحضوری نظراتشان را در یک وبلاگ مطرح می‌کردند. در هر دو مورد، موضوع بحث خیلی ساده پرسش از چیستی امید بود. برخی پرسش‌هایی که در این کتاب طرح شده‌اند عبارتند از: امید چیست؟ چه فرقی با امیدواری دارد؟ و خودِ این دو چه نسبتی با خوش‌بینی، خوش‌باوری و خوش‌خیالی از یک سو و بدبینی، یأس و کلبی‌مسلکی از سوی دیگر دارند؟ در کتابی که سراسر به «امید» پرداخته، نویسنده، استان وَن هوفت، می‌کوشد از درونِ سنتی که به امید عمدتا به‌مثابه فضیلتی اخلاقی و بعضا الهیاتی می‌نگرد به این پرسش‌ها پاسخ دهد. بااین‌حال، ورای این کندوکاو نظری، نویسنده در تلاش است به این تعبیر که «انسان به امید زنده است» معنا و عینیت ببخشد. بر طبق نظر وَن هوفت، امید چیزی حتی ریشه‌ای‌تر و ابتدایی‌تر از فضیلت است. امید ساختار بنیادین هستی ما و نحو زیستمان در جهانی مملو از خطرات و مخاطرات است. اهمیت وجودیِ امید چندان است که می‌توان گفت، بودِ ما همواره در امیدواربودنمان است. اینها نکاتی هستند که نویسنده، در قالب فصل‌ها و بندهای مختلف کتاب، می‌کوشد با اتکا به مثال‌های زندگی روزمره و نیز مباحث پیچیده‌ترِ فلسفی روشن سازد: نسبت امید با آرزو، عقلانی‌بودن امید، واقع‌بینی در امیدواری، کندوکاو در نحوهٔ حضور امید در عرصه‌های پزشکی، سیاست و دین، آسیب‌شناسی امید و در همین ارتباط، موعودگرایی، هزاره‌گرایی و سایر باورهای آخرالزمانی.

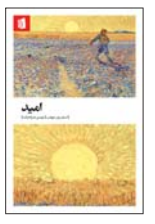

امید، استان ون هوفت، ترجمه مهدی نصراله‌زاده، نشر بیدگل

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان بروجرد-سری ۳۸۷ جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی بروجرد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۴,۱۲,۰۴) نوبت دوم: (۱۴۰۴,۱۲,۱۹)

۱ – تقاضای «سیدمحمد سیدین» فرزند «غلامرضا» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۸۲۵,۷۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۴۳۵» فرعی از «۲۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سیدمحمد سیدین فرزندغلامرضا»

۲- تقاضای «سیدمحمد سیدین» فرزند «غلامرضا» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۷۶۰,۹۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۴۳۷» فرعی از «۲۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سیدمحمد سیدین فرزندغلامرضا»

۳- تقاضای «سیدمحمد سیدین» فرزند «غلامرضا» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۱۰۹۶,۱۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۴۳۴» فرعی از «۲۵» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه « سیدمحمدسیدین فرزندغلامرضا»

۴ - تقاضای «حسن گوهری» فرزند «جواد» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۸۹۷,۲۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱۱۲» فرعی از «۷۰» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدزکی نظام الاسلامی»

۵ - تقاضای «شرکت نورد کاران» فرزند « » نسبت به «ششدانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۱۳۳۸,۸۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۵۶» فرعی از «۱۲» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عصمت اله پارسا فرزند محمدهادی»

۶- تقاضای «حجت اله دالوند» فرزند «شمس اله» نسبت به «ششدانگ یک قطعه باغ» بمساحت «۵۴۰۸,۴۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۳۹» فرعی از «۷۴» اصلی واقع در بخش «۳» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدمهدی سولیان-احمدرسولی فرزندابوطالب»

۷ - تقاضای «حسین مظفری یاراحمدی» فرزند «علی محمد» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۶۰۸۳,۳۶۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۴» فرعی از «۳۴» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی محمدمظفری یاراحمدی»

۸ - تقاضای «حسین مظفری یاراحمدی» فرزند «علی محمد» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۸۰۱,۱۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۲» فرعی از «۳۴» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علی محمدمظفری یاراحمدی»

۹ - تقاضای «سهیلا گودرزی» فرزند «عباس» نسبت به «سه دانگ مشاع ازششدانگ یکباب ساختمان مسکونی» شهناز گودرزی فرزند اسداله نسبت به سه دانگ مشاع ازششدانگ یکباب ساختمان مسکونی بمساحت «۱۲۰,۲۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۳۰» فرعی از «۳۷۴۸» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «احد-عبدالواحد-عبدالصمدصابونی فرزندان عباس صابونی»

۱۰- تقاضای «حسین صحرائی» فرزند «اسداله» نسبت به «دو دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین و کارخانه سنگبری احداثی آن»سهراب صحرائی فرزندحسین نسبت به چهاردانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین و کارخانه سنگبری احداثی آن بمساحت «۸۶۴۰,۰۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۴» فرعی از «۲۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شکرخدامقدسی فرزندعلی اقا»

شناسه : ۲۱۲۹۸۹۵

محمد آجرلو – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بروجرد ۷۴۸۰